

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2024; 14(39): e37

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Virtual Space and Gender in the Measure of Postmodern Discrimination with Emphasis on Women

Mohammad Mehdi Seyed Nasserī^{1*} , Mahmoud Abbasi², Rezvan Rezaei³

1. Department of Law, Faculty of Humanities, UAE Branch, Islamic Azad University, Dubai, United Arab Emirates.

2. Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

3. Department of Law, Faculty of Humanities, Alzahra University, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: The virtual space is not as free and democratic as it should be, and this lack of freedom has been particularly reversed in the case of women and children. Although freedom of expression is protected under the Universal Declaration of Human Rights, in many parts of the world, women are unable to exercise this right without fear. This is due either to discriminatory practices by governments and societies or to the inability of states to enhance access to resources and support for girls and women at various levels, both of which act as significant barriers.

Methods: This research adopts an analytical and descriptive approach grounded in library-based data to address the fundamental question of whether women enjoy equal rights with men in virtual spaces. In cases where such equality and safety in cyberspace are absent, the study further explores the specific forms of discrimination that are imposed upon and experienced by women.

Ethical Considerations: In the preparation of this article, ethical considerations including the preservation of textual authenticity, honesty, and fidelity have been duly observed.

Results: The findings of this study indicate that despite the strong potential capacities of virtual space to promote gender equality, it still follows the path of gender-based discrimination due to the persistence of male-centered gender stereotypes and the dominance of historically patriarchal ideologies in society. As a result, cyberspace has also become a site for gendered bias, and violence against women continues to exist in the form of “silent” or “covert” violence. Nevertheless, in recent years, significant support for women has been provided in developed and democratic states.

Conclusion: In order to combat discrimination against women in virtual spaces, new technologies must be recognized as a specific means of empowerment within the functional domain for women. The use of information and communication technologies to advance gender equality and empower women is not only vital for women, girls, and even children, but is also increasingly essential for achieving the 2030 Agenda for Sustainable Development.

Keywords: Gender discrimination; Gender justice; Women; Cyberspace

Corresponding Author: Mohammad Mehdi Seyed Nasserī; **Email:** sm.snaseri@gmail.com

Received: August 27, 2024; **Accepted:** October 23, 2024; **Published Online:** March 15, 2025

Please cite this article as:

Seyed Nasserī M M, Abbasi M, Rezaei R. Virtual Space and Gender in the Measure of Postmodern Discrimination with Emphasis on Women. *Akhlāq-i zīstī, i.e., Bioethics Journal*. 2024; 14(39): e37.



فضای مجازی و جنسیت در سنجش تبعیض پسا مدرن با تأملی بر جایگاه زنان

محمد مهدی سیدناصری^{۱*}، محمود عباسی^۲، رضوان رضائی^۳

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی.

۲. مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: فضای مجازی آن گونه که می‌بایست، آزاد و دموکراتیک نیست، مخصوصاً این آزادی در حوزه زنان و کودکان به شکلی معکوس عمل نموده است. اگرچه آزادی بیان در اعلامیه جهانی حقوق بشر حمایت شده است، اما در بسیاری از نقاط جهان، زنان نمی‌توانند بدون ترس از این حق استفاده کنند، زیرا اعمال تبعیض آمیز دولت‌ها و جوامع، یا عدم توانایی دولت‌ها برای ارتقای دسترسی دختران و زنان به امکانات حمایت از آنان در سطوح مختلف خود معضلی بازدارنده است.

روش: این پژوهش با روشی تحلیلی و توصیفی مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای در صدد است به این پرسش اصلی پاسخ گوید که در فضای مجازی زنان همانند مردان از برابری بهره‌مند هستند یا خیر و در صورت عدم بهره‌مندی از فضای امن سایبر، چه تبعیض‌هایی در خصوص آن‌ها اعمال و تحمیل می‌گردد؟

ملاحظات اخلاقی: در تدوین این مقاله جنبه‌های اخلاقی شامل حفظ اصالت متون، صداقت و امانتداری، رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود ظرفیت‌های قوی بالقوه در فضای مجازی جهت تحقق برابری جنسیتی، همچنان به دلیل وجود کلیشه‌های جنسیتی مردمحور و تفوق اندیشه‌های تاریخی مرد سالاری در جامعه، فضای مجازی نیز در همان مسیر تبعیض جنسیتی قرار گرفته و خشونت علیه زنان به شکل خشونت سفید کماکان وجود دارد. هرچند حمایت‌های قابل توجهی از زنان در دولت‌های توسعه یافته و دموکراتیک در دوران اخیر صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری: جهت مبارزه با تبعیض در فضای مجازی علیه زنان باید فناوری جدید را به‌عنوان توانمندسازی مشخصی در حوزه عملکردی برای زنان مورد شناسایی قرار داد. چرا که استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای پیشبرد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان نه تنها برای زنان و دختران و حتی کودکان حیاتی است، بلکه برای دستیابی به دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار ضرورت فزاینده دارد.

واژگان کلیدی: تبعیض جنسیتی؛ عدالت جنسیتی؛ زنان؛ فضای مجازی

نویسنده مسئول: محمد مهدی سیدناصری؛ پست الکترونیک: sm.snaseri@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Seyed Nasser M M, Abbasi M, Rezaei R. Virtual Space and Gender in the Measure of Postmodern Discrimination with Emphasis on Women. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2024; 14(39): e37.

مقدمه

فضای مجازی را می‌توان: «برای توصیف یک جهان الکترونیکی گسترده استفاده کرد که در آن با فناوری کامپیوتری با سیستم‌های ارتباطی پیشرفته پیوند می‌خورد. اصطلاح فضای مجازی در ابتدا توسط ویلیام گیسون و در کتاب نورومنسر در سال ۱۹۸۴ به کار برده شد. گیسون در سال‌های بعد از این اصطلاح انتقاد کرد و آن را «تهیج‌کننده و اساساً بی‌معنی» خواند. (۱)» با وجود این، این اصطلاح هنوز به‌طور گسترده برای توصیف هرگونه تسهیلات یا ویژگی که به اینترنت مرتبط است استفاده می‌شود. فضای سایبر و سایه به‌عنوان یک همه‌گیری تکنولوژیک، واقعیتی است که برآیند پیشرفت سریع فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده و در بادی امر نیز فرصت‌های ارتباط و استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات را به روش‌های نوآورانه‌ای ایجاد کرده است. با این حال، فناوری اطلاعات و ارتباطات به طرق مختلف به زنان و دختران آسیب رسانده و آن‌ها را تهدید می‌کند.

زنان، تقریباً از زمانی که تاریخ به یاد دارد، اساساً از حوزه عمومی تبعید شده‌اند. زمانی این عرصه، انحصاری و محدود به افرادی با موقعیت اجتماعی خاص بود. موضوعی که حذف کامل هرگونه مشارکت زنان در آن صرفاً به این واقعیت بستگی داشت که آن‌ها قبلاً از داشتن چنین موقعیت اجتماعی یا کار در چنین زمینه‌هایی محروم شده بودند. از آنجایی که اینترنت حوزه عمومی را برای همه افرادی که می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند، باز کرد و شاید برای اولین بار به زنان اجازه دسترسی به حوزه عمومی را داد، اما اینکه این دسترسی برای زنان همانند دسترسی مردان و بدون دغدغه و با احترام به حریم خصوصی آن‌ها بوده است، پرسشی است که پاسخ مثبت و یا مثبت‌اندیشی درخصوص آن، با توجه به مؤلفه مهم تبعیض جنسیتی نهادینه شده در باور جامعه چالش‌برانگیز است. همان‌طور که در حوزه عمومی (خیابان، مکان‌های کار، نهادهای عمومی، سازمان‌های مختلف) مردان همچنان بیشترین تعداد مشارکت را داشته و در مجموع تفوق بیشتری دارند، این موضوع در «فضای مجازی» نیز اتفاق افتاده است.

کسانی که نگران خطرانی‌اند که زنان پشت درهای بسته در دنیای واقعی با آن روبه‌رو می‌شوند، اکنون همان خطرات مشابه را در فضای مجازی متوجه زنان می‌دانند (۲). «تجاوز جنسی، آزار و اذیت جنسی، کنجکاوای غیر قانونی، استراق سمع، آسیب عاطفی و حوادث در فضای مجازی نتیجه واکنش‌ها و تعاملاتی است که در این عرصه اتفاق می‌افتد.

انتونیو گوترش در نشست سالانه کمیته سازمان ملل متحد در مورد وضعیت زنان و دختران در سال ۲۰۲۴؛ بیان نمود که «شکاف دیجیتالی جنسیتی» به سرعت در حال تبدیل شدن به چهره‌ای جدید از نابرابری جنسیتی است و محیط‌های آنلاین برای دختران امن نیست، زیرا در فضای مجازی بسیاری از حقوقشان نقض می‌شود. او همچنین از کلیه رهبران جهان خواست فوراً توصیه‌های سازمان ملل متحد را که آموزش مهارت‌های دیجیتالی برای زنان علی‌الخصوص دختران را ارتقا می‌دهد و همچنین الگوریتم‌هایی که با حقوق بشر و برابری جنسیتی و سایر اقدامات همسو هستند را مورد توجه قرار بدهند (۳).

با این دیدگاه هدف اصلی این تحقیق تمرکز بر سه کلید واژه مهم است. نخست فضای مجازی، دوم تبعیض و سوم زنان؛ که برآیند این سیر خطی، هدف بنیادین در این پژوهش است مبنی بر اینکه تبعیض علیه زنان در فضای مجازی با طبعی پسامدرن چه ابعاد و نتایجی دربر می‌گیرد. در پرتو هدف این پژوهش که متمرکز بر تبعیض علیه زنان در فضای مجازی است، موضوعی بررسی می‌گردد که امروزه دارای طبعی پسامدرن بوده و سنخ و جنس آن به مثابه تبعیض‌هایی که تاکنون زنان درگیر آن بودند، نمی‌باشد. شاید از جمله مؤلفه‌های تبعیض مورد نظر غیر ملموس بودن آن برای جامعه است و همین امر موجب شده به راحتی کتمان شده و نفی گردد. به هر حال پرسش اصلی این پژوهش دایرمدار این باور است که «تبعیض پسامدرن در حوزه زنان با محوریت فضای مجازی چه تفاوت‌هایی با شکل سنتی آن داشته و چه عرصه‌هایی را دربر می‌گیرد؟» در این پرسشگری علاوه بر تبیین جایگاه زن در فضای مجازی پدیده سرزنش قربانی که در اشکال سنتی در بازخورد با زن وجود داشت در این حوزه

جامعه‌شناسی جنسیت و مطالعات رسانه‌ای گردآوری شده است.

یافته‌ها

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود ظرفیت‌های قوی بالقوه در فضای مجازی جهت تحقق برابری جنسیتی، همچنان به دلیل وجود کلیشه‌های جنسیتی مردمحور و تفوق اندیشه‌های تاریخی مرد سالاری در جامعه، فضای مجازی نیز در همان مسیر تبعیض جنسیتی قرار گرفته و خشونت علیه زنان به شکل خشونت سفید کماکان وجود دارد. هرچند حمایت‌های قابل توجهی از زنان در دولت‌های توسعه‌یافته و دمکراتیک در دوران اخیر صورت گرفته است.

بحث

۱. تأملی بر جایگاه هویت جنسیتی و رابطه آن با فضای مجازی

در تمام جوامع انسانی همواره ساخت فرهنگی جنسیت، تکوین مجموعه‌ای از پندارها و انگاره‌های فردی و اجتماعی درباره رفتارهای مناسب زنانه و مردانه را سبب می‌شود که در شرایط زمانی و مکانی متفاوت، متغیر هستند؛ بنابراین هم برخاسته و متأثر از شرایط اجتماعی و هم متأثر از نگاه فرد به خویشتن براساس ایده‌ال‌سازی‌ها و ابزارهایی است که جامعه یا خود فرد از من خویش بنا می‌کند. در پی گسترش فناوری‌های نوین ارتباطی - اطلاعاتی و توسعه فضای مجازی، توجه به سهم آن در تغییر قواعد حاکم بر تعامل انسان‌ها و نگرش آنان به جنسیت خود از اهمیت به سزایی برخوردار شده است. گسترش محیط دیجیتال، کاتالیزور توسعه دموکراسی، برابری و توانمندسازی جدیدی و رای جنسیت امکان دسترسی به اطلاعات و حمایت اجتماعی را فراهم نمود. بنابراین، محیط‌های تعامل آنلاین به‌عنوان فضاهایی معرفی شدند که افراد و گروه‌های قابل برجسب یا طردشده اجتماعی توانستند آزادانه در آن شرکت کرده و نظرات خود را بیان کنند. موضوعی که در بادی امر، زنان، اقلیت‌های جنسی، مذهبی و نژادی جامعه را دربر گرفت. این فضا مبنای امیدی شد که با

نیز بررسی شده و نقش این دیدگاه سنتی نیز بررسی می‌گردد. پس با انتقال سرزنش از مجرم به قربانی در تلاشی از سوی افشار خاص که در فضای مجازی فعال هستند، «فرهنگ تجاوز جنسی» را توجیه کرده و مشروعیت می‌بخشند (۴). به هرحال این پرسش که تبعیض پسامدرن چه تفاوت و حتی چه ویژگی‌هایی نسبت به شکل سنتی دارد، بستگی به نوع جامعه، می‌تواند متفاوت باشد. کما اینکه در جوامع آزاد این تعرض مجازی (بعضاً روحی و معنوی) به مراتب بیشتر و گسترده‌تر است. هرچند در بخش‌هایی دیگر از جمله ورود تکنولوژیک زنان - به دلیل وجود زیرساخت‌های فناوری - در این عرصه وضعیت به مراتب مطلوب‌تری دارد.

در خصوص پیشینه این پژوهش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: گری و پاترا (۲۰۱۹)، در پژوهشی با عنوان: «حفاظت از زنان در فضای سایبری: توهم یا واقعیت؟» معتقدند: قربانیان اصلی فضای مجازی زنان هستند که در شبکه‌های اجتماعی مورد سوء استفاده و آزار و اذیت قرار می‌گیرند و به دلیل فقدان شواهد و یا گاه ترس از افترا و بسیاری از این دلایل، عاملان جرم در قبال تخلفات خود پاسخگو نبوده و عدالت از آن‌ها سلب می‌شود (۵). همچنین داربا، اوپلا، (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان: «آزار جنسی در فضای سایبر: مورد مطالعه مجله پیکارا» با استفاده از مورد مجله پیکارا (مجله الکترونیکی فمینیستی اسپانیایی) تحلیلی از آزار جنسی در اینترنت ارائه می‌دهد. نظرات ارسال شده در این مجله آنلاین در طول سال ۲۰۱۵ از منظر کیفی (با استفاده از روش‌شناسی نظریه زمینه‌ای) با تمرکز بر کشف مقوله‌های گفتمانی اصلی مرتبط با رفتارهای آزاردهنده و همچنین راهبردهای مختلف واکنش و مقاومت تحلیل شده است (۶).

روش

این پژوهش با رویکردی کیفی و مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی، به انجام رسیده است. داده‌های پژوهش از طریق منابع کتابخانه‌ای و اسناد معتبر بین‌المللی در حوزه حقوق بشر،

گفته شود زنان از جنبه‌های مختلف با مردان برابر هستند، باز هم راه‌های جدیدی برای سرکوب آن‌ها وجود دارد و در زمان، مکان و حالتی متفاوت فوران می‌کند (۹). «بنابراین استفاده از فضای سایبر و ویژگی‌های همراه آن همچنان بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه تأثیر منفی می‌گذارد. جنسیت در این عرصه همانند شکل سنتی با الگویی متفاوت متحمل خشونت‌هایی می‌گردد که نه تنها به این افراد که به اطرافیان آن‌ها نیز صدمه و لطمات روحی و عاطفی وارد می‌کند (۱۰).

۲. واکاوی عدالت توزیعی در قلمروشناسی فضای سایبر و جایگاه زنان

اینترنت مهمترین شاخصه عصر ارتباطات است. گسترش و تبادل اطلاعات سبب شده تا ابزار مختلفی جهت سهولت ارتباط میان کاربران ایجاد شود. آغاز هزاره سوم و انقلاب اطلاعات و دانش، نگرش جنسیتی و محدود ساختن حضور براساس جنسیت در فضای تعاملی جامعه بشری را با چالش مواجه کرده است. زنان ایرانی نیز براساس آمارهای موجود روز به روز استقبال بیشتری از فرصت‌های ارتباطی موجود در این فضا می‌کنند که این امر می‌تواند به رشد و توسعه آنان کمک کند؛ اما در کنار این پیشرفت فناوری، متأسفانه جرائم سایبری نیز گسترش پیدا کرده است. محیط دیجیتال به دنیای آنلاینی اطلاق می‌شود که در آن کاربران، مکانیسم‌هایی را برای انجام هرگونه فعالیت شخصی به سهولت و آزادانه اتخاذ می‌کنند. تنها با یک کلیک ماوس، فضای مجازی به ما انسان‌ها، شرایطی را اعطا می‌کند که فارغ از هرگونه محدودیت بتوانیم قلمروهای اندیشه و خیال را به صورت سایه‌ای از یک جسم در نوردیم. اما در عین حال، پیامدهای اجتماعی، سیاسی، اخلاقی خاصی را در پی داشته که زندگی افراد بسیاری را رنج‌آور و مصیبت‌بار کرده است. در این میان قربانیان اصلی فضای مجازی زنان هستند که از طریق شبکه‌های اجتماعی مورد آزار و اذیت قرار گرفته و در مقابل به دلیل عدم توانایی بر اثبات و یا نبود شواهد، بزه‌دیده مکرر می‌شوند. گاهی نیز از ترس افترا، رواداری، آبرو و بسیاری از دلایل دیگر، موجب می‌شود که مجرمان در قبال اعمال

ابزار جدید در مقابل تبعیضی که به اندازه تاریخ بر این اقلیت‌ها تحمیل شده بود مبارزه کند. در این راستا و در بازخورد با اقلیت‌های جنسیتی چون زنان استدلال شده است که جنبش‌های اجتماعی مانند فمینیسم پتانسیل اعمال نفوذ جهت رسیدن به سطح بالاتری از تعامل در این فضا را فراهم کردند. در مقابل برخی معتقدند؛ فضای مجازی و سایبر به زیستگاه‌های سیاسی تبدیل شدند که در نهایت نقش‌ها، درگیری‌های اجتماعی، تبعیض، نابرابری و قدرت را باز تولید کرده است. با وجود این، فضای مجازی این پتانسیل را دارد که گفتمان‌های مسلط را با کمک انعطاف‌پذیری آنلاین با زعامت اشخاص جایگزین (در این مجال مدیریت زنان بر این حوزه) به چالش بکشد.

می‌توان ادعا کرد که فضای مجازی بر روابط قدرت؛ هم از نظر گسترش هژمونی قدرت مسلط و هم تشویق مخالفت با هژمونی، تأثیرگذار است چرا که هر دو خوانش را یکسان منتشر می‌کند. بنابراین این فضا یکی از ابزارهایی است که برای انتشار دیدگاه‌ها استفاده می‌شود، می‌تواند گفتمان‌هایی ایجاد کند که نه تنها برای قدرت‌های مسلط (گفتمان مردم‌محور) بلکه برای مبارزات مخالفان نیز کاربردی می‌باشد (۷). بنابراین به طرز متناقضی، در حوزه مبارزه جنسیت محور، دنیای آنلاین به عرصه‌ای تبدیل شده که در آن می‌توان نظرات را آزادانه بیان کرد و آگاهی را بهبود بخشید. البته بحران جدی وقتی است که فضای باز آنلاین جهت مبارزه و اعتراض به تبعیض جنسیتی خود اشکال جدید و متفاوتی از تبعیض جنسیتی چون خشونت جنسی آنلاین را باز تولید کند. این مسأله وقتی چالش برانگیز می‌گردد که در معرض مشاهده میلیاردها کاربر قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر آسیب آن به مراتب جدی‌تر و ساختارمندتر از آسیب در فضای واقعی است که محدود به افراد خاص است. قربانی کردن زنان در این فضا نیز صورتی نوین یافته که هنوز در اشکال متفاوت ادامه دارد، موضوعی که می‌توان امروزه در شیوه‌های آزار و اذیت مشاهده کرد (۸). این خوانش از جنسیت در فضای مجازی بیشتر از هر زمان ما را به این اعتقاد از «استلا و کاماری» می‌اندازد که بیان می‌کنند: «موقعیت زنان همیشه آسیب‌پذیر بوده است. حتی اگر

واقعی برسد. چرا که در آن هویت جنسی خود را بدون ترس از نگاه‌های تبعیض‌آمیز آشکار کرده و به همگان نشان می‌دهد.

مشارکت زنان همواره برای برابری زنان با مردان و مبارزه با تبعیض ضروری است. مشارکت به این معناست که خود زنان بتوانند نیازهای منحصر به فرد خود را شناسایی کنند (۱۲). به هر حال در این حوزه بسیار پیچیده و سخت است که چه دیدگاه و مفهومی با محوریت عدالت توزیعی در جنسیت را بایست در قلمروهای مختلف مجازی تفسیر کرد که در نهایت گرفتار نگاه قیّم‌آبانه و مردمحور در مقابل زن‌ستیزی و اعمال و تحمیل تبعیض بر آن‌ها نشویم.

۳. درک چشم‌انداز هنجاری؛ تمهیدی جهت طی طریق در عدالت جنسیتی در محیط دیجیتال

چشم‌انداز هنجاری به‌عنوان تمهیدی در ایجاد فضایی جهت برپایی عدالت جنسیتی در فضای سایبری باید با مقررات و قواعدی منطبق شود که در ذات و کنه خود، نگاهی انسانی به مقوله جنسیت داشته و معیار و محک خود را اخلاق در نظر بگیرند. در این صورت است که می‌توان شاهد ورود جریان‌های حقوق بشری به موضوع مبارزه با تبعیض جنسیتی حتی در فضای مجازی بود. «براساس مطالعه انجام‌شده مقررات سایبری در صورتی که منطبق با موازین و معیارهای حقوق بشر و با نگاهی نو براساس نیازهای جدید فضای نوپدید سایبری، بازنگری یا تدوین شده باشند، می‌توانند در صیانت از حقوق شهروندی و به خصوص حق بر توسعه از نسل سوم حقوق بشر نقش مؤثر و قابل ملاحظه‌ای داشته باشند (۱۳)».

پاسخ‌های اولیه فمینیستی به انقلاب دیجیتال تا حد زیادی در مورد پتانسیل این فناوری‌ها، به ویژه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات برای توانمندسازی زنان و تغییر روابط جنسیتی خوش‌بینانه بود. فضای مجازی به نظر، در چارچوب فارغ از جنسیت و در قالبی دمکراتیک و رهایی‌بخش در فضایی مجازی ظاهر شده بود. به این ترتیب، تعدادی از ابتکارات و پروژه‌ها برای پیگیری و پیشبرد توانمندسازی دیجیتال زنان انجام شده است. به‌عنوان مثال می‌توان از برنامه «زنان مرتبط» نام برد که با اپراتورهای تلفن همراه همکاری می‌کند تا موانع

ناشایست خود پاسخگو نبوده و بنابراین عدالت از قربانیان سلب می‌شود (۱۱). از منظر قلمروشناسی هنوز مردان به دلیل سلطه سنتی خود، فضای مجازی را قلمرو بی‌چون و چرای خود دانسته که این نگرش موجب شده زنان را در این فضا مورد آزاد و اذیت قرار داده و خشونت گسترده بر آن‌ها تحمیل کنند.

اگر بخواهیم با نگاهی عملگرا به موضوع بنگریم باید اذعان نماییم ارتباط متقابل اعطا شده (بین کاربران) توسط فضای مجازی به زنان کمک کرد تا داستان‌های خود را به‌صورت آنلاین به اشتراک بگذارند و این امکان را به آن‌ها می‌داد که فوراً توسط جامعه آنلاین شنیده یا خوانده شوند. اما اینکه همین میزان از آزادی عمل جهت گریز از تبعیض کافی بوده یا خیر را بایست در اشکال زن‌ستیزانه فضای سایبر با رهبری مردان قضاوت کرد. چرا که - همان‌طور که بیان شد - بلافاصله شاهد نهادینه شدن الگوی بدرفتاری و خشونت جنسی در سرتاسر جهان علیه زنان در این فضا بوده‌ایم که شکل آن تنها در قامتی فراسنتی جلوه‌هایی به مراتب تأثیر گذارتر را القاء می‌کند که باعث ایجاد دردهای روحی و جسمی بر مردان و هم زنان می‌شود.

پس باید ادعا کرد تمایزات حائز اهمیتی میان تنوع جنسیتی، تساوی، برابری، تشابه و همخوانی و مشارکت زنان وجود دارد. عدالت در این حوزه ایجاب می‌کند که گاهی اوقات و یا حتی همواره این اصطلاحات به جای یکدیگر و در قلمروهای مفهومی یکدیگر جای نگیرند که در نهایت، برآیندی جز تبعیض برای آن متصور نیست. از این نظر که ممکن است برخی از آن‌ها «جاه‌طلبانه» تر از دیگر مولفه‌ها در نظر گرفته شوند یا حساسیت‌های فرهنگی را القاء نمایند. به‌عنوان تبیین بحث بایست افزود؛ تنوع جنسیتی، مفهوم‌واره‌ای برای آشکار کردن ماهیت جنسیتی افراد است که معیار آن ویژگی‌ها یا خصیصه‌های جنسیتی بر پایه مؤلفه‌های جسمی و روحی است. به هر حال این مفهوم فارغ از وجود دردهای زندگی واقعی در فضای مجازی سعی می‌کند به آرامشی هرچند غیر

۴. عبور از هژمونی مردمحور در اشتغال دیجیتال؛ وعده

محقق نشده در برابری جنسیت

تبعیض، پیامد رفتارهایی است که یا با هدف ایجاد تمایز میان گروه‌های مختلف انسانی انجام شده و یا اگرچه با چنین هدفی، صورت نگرفته اما در عمل، چنین آثار و پیامدهایی به دنبال داشته است. بنابراین حتی اقدامات به ظاهر بدون غرض، اگر اثری منفی بر یک گروه در جامعه داشته باشند، می‌توانند تبعیض تلقی شوند (۱۵).

اگر در دولت‌های در حال توسعه، دسترسی، سواد و ایمنی، یکی از بزرگترین موانع آنلاین بودن و استفاده از دستگاه‌های مبتنی بر فناوری نوین است، در اقتصادهای توسعه‌یافته، زنان با انواع دیگری از موانع روبه‌رو هستند که این موانع خواسته و یا ناخواسته تبعیضی گسترده را دامن زده است. در میان آن‌ها، ادراکات و سوگیری‌های اجتماعی - فرهنگی ممکن است زنان را جهت به دست آوردن نقش‌های مهم مدیریتی در شرکت‌های (دیجیتال) به اندازه مردان باز دارد (۱۶). برای مثال، در صنعت موبایل، زنان در سرتاسر جهان ۲۵ درصد کمتر از مردان در مقام رهبری قرار دارند (۱۷). این آمار در کشورهای کمتر توسعه‌یافته و یا توسعه‌نیافته به مراتب فاجعه‌بارتر است. به‌عنوان مثال در آفریقا، درصد زنانی که پست‌های ارشد در صنعت موبایل دارند به ۱۶ درصد کل شاخص آن نسبت به دیگر کشورهای جهان کاهش می‌یابد (۱۸).

علاوه بر تبعیض دیجیتال محور می‌توان چنین تبعیضی را در بحث ورود زنان در عرصه اقتصاد آنلاین در روستاها به مراتب بیشتر مشاهده نمود. بنابراین توانایی زنان برای دسترسی و استفاده از فناوری‌های دیجیتال به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر عوامل مرتبط با بازار از جمله سرمایه‌گذاری پویا و منفعت محور و رقابت، بوده که این موضوع در مناطق کم‌جمعیت شهری به ویژه در مناطق روستایی نمود بیشتری دارد. به عبارت دیگر؛ در شهرهای کوچک و کم‌جمعیت و مناطق روستایی که اغلب جمعیت کمی دارند، سرمایه‌گذاری و نصب زیرساخت‌های دیجیتال، مانند زیرساخت‌های پهنای باند و دکل‌های تلفن همراه، از نظر اقتصادی یا مقرون به صرفه

دسترسی و استفاده زنان از اینترنت تلفن همراه، به ویژه خدمات مرتبط با هزینه‌های آن، در کشورهای با درآمد کم و متوسط را برطرف کند. علاوه بر این، پروژه «شکاف‌های جنسیتی دیجیتال: جهت اندازه‌گیری نابرابری‌های جنسیتی دیجیتال در جهان واقعی و به دور از مؤلفه‌های مجازی» با هدف ردیابی پیشرفت نابرابری‌های جنسیتی در دسترسی و استفاده از اینترنت و تلفن همراه، اندازه‌گیری مشارکت زنان در انقلاب دیجیتال انجام می‌شود. اهداف «توسعه پایدار سازمان ملل متحد» با اذعان به پتانسیل گسترده فناوری‌های دیجیتال، به ویژه تلفن‌های همراه، متعهد شد که استفاده از اطلاعات و فناوری ارتباطات را برای ارتقای توانمندسازی زنان افزایش دهد. بنابراین ابزارها، برنامه‌ها و چارچوب‌های مرتبطی وجود دارد که سیاست‌گذاران در امنیت سایبری جهانی می‌توانند هنگام تلاش برای پیشبرد دیدگاه جنسیتی، در امنیت سایبری چندجانبه، چه به‌عنوان منبع اطلاعاتی و چه برای ایجاد انسجام سیاست‌ها حرکت‌هایی عملگرایانه حتی تقنینی در این حوزه داشته باشند. با وجود نیت خوب و موفقیت‌های جزئی این ابتکارات، نابرابری در دسترسی به فناوری اطلاعات و ارتباطات، و علاوه بر آن کنترل مردان بر استفاده زنان از فناوری اطلاعات و ارتباطات، همچنان ادامه دارد (۱۴). چرا که ممکن است دسترسی به امکانات وصل شدن به این فضا وجود داشته باشد، اما محدودیت‌هایی چون محدودیت تحمیلی از سوی پدر، شوهر و ... این دسترسی را سالبه به انتفاع موضوع قرار دهد. همچنین ممکن است هیچ‌یک از این محدودیت‌ها وجود نداشته باشد، اما حضور در فضای مجازی موجبات لطمات روحی و تجاوزهای کلامی را ایجاد کند. چارچوبی مفهومی، جهت شکل‌دهی اجتماعی با لنز فمینیستی، تأثیر متقابل و پیچیده بین جنسیت و دیجیتالی شدن را به گونه‌ای درک می‌کند که می‌بایست حداکثر حمایت از زنان در این فضا صورت واقعی به خود بگیرد.

قرار می‌گیرند (۲۰). با این حال ترمیم این نقیصه در شکل کلاسیک و سنتی آن (حق بر آموزش بدون تبعیض بین زن و مرد) می‌تواند در میزان و نحوه استفاده برابر زنان با مردان نیز کمک کرده و مؤثر واقع گردد (۲۱).

اگرچه بسیاری از پیش‌بینی‌های آینده کار مبتنی بر تحلیل کشورهای توسعه‌یافته است حتی با وجود محدودیت‌های موجود در داده‌ها و پیش‌بینی آینده شغلی زنان در انقلاب صنعتی چهارم ممکن است مشمول معکوس شدن دستاوردهای برابری جنسیتی در حقوق و موقعیت این قشر گسترده در جامعه باشیم. در بازسازی اقتصادی فراگیر عصر دیجیتال، ما شاهد یک پیکربندی مجدد رادیکال در زنجیره جهانی کار هستیم. افزایش دیجیتالی شدن و پلتفرم‌سازی کار، چارچوبی از «کار خرد» را به بازار کار سرگردان معرفی می‌کند. در حالی که کار خرد اغلب به‌عنوان راه‌حلی برای رهایی زنان و جوانان از فقر سیاه مطرح شده است، اما این وعده با این رویکرد نه تنها محقق نمی‌شود که چالش بیکاری را به همراه دارد. (البته نیاز به پیش‌بینی در چشم‌اندازهای افق‌محور نیست. برای کشورهایی که با طعم فیلترینگ آشنا هستند؛ انهدام و نابودی مشاغل دیجیتال که از طرف زنان خودسرپرست و بی‌سرپرست ادراه می‌گردد قابل لمس است). محققانی که بر روی نیروی کار دیجیتال کار می‌کنند، نشان داده‌اند که چگونه پلتفرم‌های منتهی بر توسعه کار خرد دستمزدها را روز به روز کمتر تعیین می‌کند، زیرا فعالان این عرصه دارای قدرت چانه‌زنی کمی در مقابل مشتری هستند (۲۲). اگر این وضعیت نابسامان تبعیض‌محور را در قالب رقابت‌های جهانی و آنچه گراهام به‌عنوان «اقتصاد سیاره‌ای» می‌خوانند قرار دهیم، موقعیت زنان بیش از پیش متزلزل می‌گردد. رقابت جهانی در بازار کار، فشار نزولی عظیمی بر دستمزدها و شرایط کار وارد می‌کند. این در حالی است که در آن زمان، یافتن افرادی که با حداقل دستمزدهای مرتبط به مقررات داخلی کار کرده یا ۴۸ ساعت شیفت می‌دهند، غیرمعمول نیست زیرا محیط کاری نامطمئن باعث می‌شود که آن‌ها نگران باشند که آیا در شیفت

نبوده و یا به دلیل سود کمتر راه‌اندازی نمی‌شود. این مسأله به‌طور نامتناسبی بر زنان علی‌الخصوص در کشورهای در حال توسعه تأثیر گسترده‌ای می‌گذارد. زیرا به نظر می‌رسد زنان بیشتر وقت خود را در روستا سپری می‌کنند. در مکانی که از امکانات دیجیتال کم‌بهره و یا اصلاً بی‌بهره است. این در حالی است که مردان در سن کار عمدتاً از مناطق روستایی به مناطق شهری مهاجرت کرده و یا رفت و آمد می‌کنند؛ خود موجب می‌گردد به امکانات دیجیتال جهت استفاده و بهره اقتصادی دسترسی تام یا حداقلی داشته باشند.

گزارش اخیر مجمع جهانی اقتصاد نشان می‌دهد که بیش از ۵۷ درصد از مشاغلی که قرار است با اتوماسیون دیجیتال از هم‌اکنون تا سال ۲۰۲۶ جابه‌جا شوند، متعلق به زنان است. سهم بسیار کم در مشاغل فناوری پیشرفته یعنی ۲۲ درصد برای زنان (وظایف غیر معمول و شناختی) که در اقتصاد دیجیتال مورد تقاضا می‌باشند، جایی که گسترش اشتغال و افزایش دستمزد واقعی بسیار سریع‌تر اتفاق می‌افتد. همچنین گزارش سال ۲۰۲۰ مجمع جهانی اقتصاد در مورد آینده مشاغل نشان می‌دهد که مردان در صنایعی مانند اطلاعات و بیوتکنولوژی تسلط دارند. این موضوع همراه با ناکامی پایدار زنان در رسیدن به بالاترین سطح از حرفه‌های تخصصی حتی در بخش‌های بهداشت و آموزش است. مسئله‌ای که به نظر به تسریع معکوس شدن برابری جنسیتی به تبعیض دیجیتال در مورد زنان پس از سال‌ها پیشرفت کمک می‌کند (۱۹). با این بیان و جهت مفردی از تبعیض سایبری همان‌طور که در فوق نیز بیان شد، بایست تبعیض را در شکل سنتی و بر پایه کلاسیک آن در جامعه آموزش داد. این واقعیتی است که حق بر آموزش نیز به سان دیگر حقوق بشری، بدون تبعیض و با رعایت دقیق و همه‌جانبه اصل برابری اعمال شود. اولین و مهم‌ترین تبعیضی که در مقام اجرای این حق به ذهن متبادر می‌شود، تبعیض جنسیتی در آموزش است که تفوق و برتری جنس مذکر را بر «جنس دوم» رقم می‌زند. موضوعی که در فضای سایبر نیز به خوبی قابل مشاهده می‌باشد. مطالعات نشان می‌دهد؛ زنان بیش از مردان در معرض فقر و تبعیض جنسیتی

بعدی مشغول خواهند بود. حال این فضای تبعیض‌آمیز در بازخورد با زنان به مراتب تبعیضی محسوس‌تر را ایجاد می‌کند.

۵. تفسیر پست مدرنیسم از قوانین مرتبط با فضای مجازی در بازخورد با زنان

ممکن است در وهله نخست آنچه ظاهراً نمود یابد و موجبات تبعیض علیه زنان را ایجاد کند، خود قوانین باشند که خواسته و یا ناخواسته عملکرد افراد را در مضیقه انداخته و آن‌ها را در مقابل قانون قرار می‌دهد. با این حال قوانین انعکاسی از خواسته جامعه است که انتظار دارد عرف، مذهب، فرهنگ و مبانی اجتماعی را در قوانین به واسطه حاکمیت، رعایت شود. پس اینکه قوانین محدودیت‌هایی در رفتار شهروند ایجاد می‌کند، قبل از اینکه برداشت تحکم محور از حاکمیت باشد، پاسخ به توقعاتی است که اکثریت جامعه آن را در شاکله قانون و مقررات انتظار دارد. بنابراین قبل از اینکه قوانین و مقررات مورد نقد قرار گیرد، شهروند باید به اقبال کف جامعه توجه نشان دهد و در بازخورد با آن رفتاری را هنجار و رفتاری را ناهنجاری تلقی کند. در فضای مجازی، محیطی که شامل بیش از دو عضو باشد، گروه نامیده می‌شود، ولی ممکن است گروهی به صورت عمومی نباشد؛ لذا به نظر می‌رسد، دسترسی عموم افراد به محدوده‌ای خاص در فضای سایبر و ورود یا عضویت بدون شرط آن‌ها در آن گروه یا شبکه اجتماعی می‌تواند آن فضا را به «انظار عمومی» تبدیل کند؛ برای مثال وبلاگ یا سایت و یا کانال‌های عمومی در شبکه اجتماعی تلگرام چنین هستند (۲۳). بنابراین در پرتو رویکرد مزبور، مقررات‌گذاری در این عرصه دارای جنبه‌هایی ظریف و باریک‌بین است که قانون‌گذار را مجبور می‌کند همگام با خواسته جامعه در وضع قوانین به روز بوده و همواره سعی کند مظاهر مختلف رفتاری در این فضای بیکران را در نظر گرفته و با ضوابط و ملاک‌های جامعی که بر اجتماع حاکم است، قاعده‌گذاری نماید. مقرراتی که حتی ممکن است رفتارهایی را وصف مجرمانه دهد. رفتارهایی که شاید در شکل سنتی اتفاق نیفتاده و یا در صورت تجری بیش از حد، اندک شهروندان به ندرت مبادرت به آن ورزند. به‌عنوان مثال می‌توان به رفتار تن‌نمایی اشاره

کرد که شاید در حالت عادی بسیار نادر باشد که شخصی چنین رفتار ناهنجاری بر پایه عرف جامعه انجام دهد. می‌توان مشاهده نمود این رفتار وقتی در فضای سایبر ارتکاب پیدا می‌کند، هم از شکل ندرت آن به توسیع تبدیل می‌شود و قانونگذار نیز جهت حمایت، حفاظت و حراست از جامعه آن را حتی به صورت مطلق جرم‌انگاری می‌کند. به هر حال در ذیل دو نظر از منظر اطلاق و یا مقیدی بودن علت جرم مزبور قابل بحث می‌باشد:

الف) نظریه نخست اینکه این جرم از لحاظ حصول نتیجه مجرمانه، یک جرم «مطلق» بوده و صرف تحقق رفتار مجرمانه و تشکیل این بخش از عنصر مادی در آن موجب تحقق جرم و در نهایت مجازات مرتکب است (۲۴). نظریه دوم اینکه این جرم از لحاظ حصول نتیجه مجرمانه، یک جرم مقید بوده و صرف تحقق رفتار مجرمانه و تشکیل این بخش از عنصر مادی در آن موجب تحقق جرم نیست (۲۵). بنابراین همان‌طور که می‌توان مشاهده نمود قوانین قبل از اینکه در مورد تبعیض و نابرابری مورد قضاوت قرار گیرند، می‌بایست عرف و فرهنگ جامعه و انعکاس رفتاری مزبور در میان خانواده مورد سنجش قرار گیرد. با این حال باید اشاره کرد اگرچه قوانین در جهت سمت و سوی برابری جنسیتی در بهره از این فضا قرار دارد، اما هنوز می‌توان مقرراتی را مشاهده نمود که کماکان دارای تبعیض جنسیتی است.

همچنین در این راستا نیز خانم هوری گودلکیان رئیس کمیته ان‌جی‌او. در مورد وضعیت زنان، تأکید کرد دولت‌ها می‌بایست راهی بیابند تا عاملان «خشونت آنلاین» را که زنان و دختران را هدف قرار می‌دهد، پاسخگو نگه دارند. او همچنین گفت: «جرایم سایبری می‌بایست همانند هر جرم دیگری دارای مجازات باشد و از رهبران جهان خواست تا پنج درصد از هزینه‌های نظامی خود را کاهش دهند و در عوض این بودجه را به سمت تلاش‌های توسعه‌یابنده هدایت کنند؛ زیرا حقوق دختران به‌عنوان کودک، یکی از مهم‌ترین مصادیق حقوق بشر است. بنابراین در هر گوشه از جهان گستردگی جرائم در این فرآیند تشخیص داده شده و سعی در قاعده‌مند کردن آن دارند (۲۶).

۶. خشونت نرم علیه زنان در شرایط اضطراری در عصر

دیجیتال پیامد سنجه‌های تبعیض جنسیتی

خشونت علیه زنان و دختران امروزه به‌عنوان یک مشکل عمده بهداشت عمومی و نقض حقوق بشر زنان، به‌ویژه خشونت از سوی شریک جنسی و خشونت مبتنی بر جنسیت تلقی می‌شود. با این حال، حتی اگر خشونت شریک جنسی یکی از رایج‌ترین و متداول‌ترین شکل‌های خشونت علیه زنان و دختران باشد، خشونت مبتنی بر جنسیت می‌تواند در زمینه‌های مختلف و با ابزارهای متفاوت اعمال شود (۲۷). در واقع، افزایش استفاده و ادغام فناوری‌های دیجیتال در زندگی خصوصی و حرفه‌ای بشر منجر به راه‌های جدیدی برای اعمال خشونت علیه زنان شده است. چالشی که در شرایط اضطراری از جمله پاندمی‌های گسترده، نمود جدی‌تری به خود می‌گیرد. این ادعا را می‌توان در خصوص وضعیت زنان در دوره‌های پاندمی کووید ۱۹ به خوبی مشاهده نمود. علاوه بر این، تحقیقات آژانس حقوق بنیادین اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که با وجود پدیده نسبتاً رو به رشد اتصال به اینترنت، تخمین زده می‌شود که از هر ده زن در اتحادیه اروپا یک نفر از سن ۱۵ سالگی به بعد نوعی خشونت سایبری را تجربه کرده است. به هر حال این واقعیتی است که خشونت علیه زنان به دلیل فناوری در حال تغییر است لذا بر پایه واقعیت‌های جامعه و مبانی سایبری باید خاطر نشان کرد که اینترنت، حریم خصوصی اشخاص در زندگی را به مسیرهای جدیدی از خشونت بالقوه باز کرده است. بنابراین، با فراگیرتر شدن استفاده از فناوری‌های جدید دیجیتال، استفاده از آن‌ها به‌عنوان ابزاری برای آسیب رساندن به زنان نیز افزایش یافته است. به‌عنوان مثال ظهور اینترنت و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان روش‌های جدید ارتباط با دیگران باعث شده است که سوءاستفاده‌کنندگان بتوانند تماس خود را حفظ کرده و به آزار و اذیت زنان پس از ترک روابط توهین‌آمیز ادامه دهند. این در حالی است که تقریباً نیمی از موارد آزار و اذیت سایبری از قبل در طول رابطه شروع شده است (۲۸). چرا که در فضای سایبر، هر شخص می‌تواند دارای هزاران چهره و هویت باشد

که هر زمان به فراخور وضعیت زمانی و مکانی در هیبت یکی از این هویت‌ها نمود یافته و اهداف خود را استمرار بخشد.

علاوه بر این، مجرمان به جستجوی آنلاین برای یافتن زنان و تعقیب آن‌ها بدون بر جای گذاشتن ردی می‌پردازند، در نتیجه فضایی ایجاد می‌کنند که زنان و دختران احساس ناامنی کرده و دائماً در معرض تهدید باشند. برخی، این نگرانی را با اذعان به این تفاوت که در فضای مجازی، دیگر مانند گذشته مرزهای جغرافیایی و مکانی نمی‌تواند معنا داشته باشد، منعکس می‌کنند: «به واسطه فناوری اطلاعات و ارتباطات می‌توان افراد را در سطح جهانی مکان‌یابی کرده و با آن‌ها ارتباط برقرار نمود و حتی با آن‌ها تماس گرفت. پس احساس ایمنی زنان می‌تواند بیشتر از بین برود، موضوعی (مرز جغرافیایی) که زمانی یک فاصله امن در نظر گرفته می‌شد (۲۹)». بنابراین اعمال احتمالی خشونت مبتنی بر جنسیت به صورت آنلاین می‌تواند صور بی‌شماری به خود بگیرد.

این نکته نیز حائز اهمیت است که خشونت سایبری علیه زنان گروه‌بندی شده‌اند و اصطلاح کلی «خشونت سایبری علیه زنان و دختران» به آن‌ها داده شده است، تا همه این سوء استفاده‌ها به‌عنوان اشکال مشخص خشونت‌هایی که به‌طور آنلاین انجام می‌شود و به‌طور خاص به زنان تحمیل می‌گردد، توصیف گردد. دبیرکل سازمان ملل متحد در مورد خشونت علیه زنان، اظهار داشته است: «اشکال خشونت بر پایه فناوری‌های نوین در حال تکامل است لذا ظهور خشونت باید نامگذاری شوند تا بتوان آن‌ها را شناخت و بهتر به آن‌ها پرداخت.» پس اشکال مختلف رفتار اشخاص در فضای سایبر که منجر به هتک حرمت زنان و دختران گردد، می‌تواند شکلی نوپدید از خشونت علیه زنان در این عرصه باشد (۳۰).

در خصوص خشونت در فضای سایبر شاید اذعان گردد دارای درجه‌ای کمتر از خشونت در شکل و هیبتی واقعی و در جهان عینی باشد. اما واقعیت این است که زنان در فضای سایبر نیز همانند فضای واقعی آسیب‌پذیر و در معرض تعرض بوده و ممکن است هرروز از طرف هر شخصی مورد خشونت کلامی و ... قرار گیرند. پس نمی‌توان به ضرس قاطع ادعا کرد که

نوپدید در خصوص زنان، از جمله خشونت و تبعیض در فناوری‌های نوین و شبکه‌های مجازی را می‌توان، نبود آموزش از سوی خانواده و نظام آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها) به آحاد جامعه، اعم از مرد و زن دانست. عدم فرهنگ‌سازی صحیح از یک سو و تصویب قوانینی که نه تنها این افراد را در مقابل هجمه‌ها حمایت نمی‌کند که آن‌ها را در مقابل بحران‌های حقوقی، اجتماعی و جرم‌شناختی به وجود آمده، رها کرده و تنها می‌گذارد.

این باور در بازخورد با فضای مجازی به صورت برجسته شکل گرفته است که یکی از زمینه‌های اصلی در بروز مشکلات خانوادگی و اصولاً نارضایتی از زندگی مشترک، این فضا بوده است. چنین استدلال‌هایی را می‌توان به‌عنوان زن‌ستیزی پست مدرنیسم شناسایی کرد. مسأله‌ای که موجب واپس‌گرایی از زندگی واقعی از یک سو و گرایش به زندگی مجازی و خیالی از سوی دیگر تفسیر کرد. باور و دیدگاه مزبور، مقصر اصلی در این وضعیت را بازیگری فعال زنان دانسته و از منظر جامعه حتی در بین خود زنان آن‌ها افرادی هستند که از فضای مجازی تأثیرات منفی بی‌حصر می‌گیرند. به عبارت دیگر انتقال سرزنش از مرتکب به سمت قربانی خشونت سایبری مورد پذیرش قرار می‌گیرد. همین باور اشتباه، موجب شده زنان در این فضا نیز مورد تبعیض قرار گیرند. به‌عنوان مثال زنان اگر بزه‌دیده جرمی چون تن‌نمایی شوند در بادی امر مجرم بوده و باید بتوانند اثبات کنند که با عمد و اختیار خود این عمل را انجام نداده‌اند. اگر به هر دلیل نتوانند این مهم را اثبات کنند، مجرم محسوب شده و آن‌هایی که در حقیقت تحت سلطه، نفوذ و اکراه چنین رفتارهایی انجام داده‌اند به دلیل ضعف قانون و خلاء موجود در فرآیند اثبات، بزه‌دیده مجدد می‌گردند. این چالش در پرتو تولیدات رسانه‌ای به اوج خود می‌رسد. چرا که رسانه‌ها اعم از مجازی و غیرمجازی می‌توانند با فرافکنی و واقعی جلوه دادن امور غیرواقعی، شدت این باورهای اشتباه که مترصد تبعیض در فضای مجازی علیه زنان است را دامن بزنند. معمولاً در این فرآیند و معادله آن کسی که درگیر می‌باشد، زنان خواهند بود. تحت تأثیر این فضا، آنچه جوان باید از زندگی مشترک انتظار داشته باشد به نوعی

ماهیت خشونت در فضای سایبر به مراتب نسبت به جهان واقعی کم‌رنگ‌تر و کم‌اثرتر است. اگرچه تحقیقات بیشتری جهت ارزیابی و تشخیص تأثیر کلی که خشونت سایبری ممکن است بر روی زنان و دختران ایجاد کند، مورد نیاز است. با این حال گفته می‌شود که اشکال خشونت جنسیتی آنلاین از نظر عواقب و نتیجه عاطفی و روحی با خشونت واقعی علیه زنان و دختران تفاوتی نداشته و حتی در مقاطعی به مراتب شدیدتر است (۳۱).

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این مطالعه توصیفی - تحلیلی، این مفهوم را تقویت می‌کند که اگرچه فضای سایبر فرصت‌هایی برای بیان و دیده شدن ایده‌های مبتنی و متمرکز بر جنسیت را همراه با محکوم کردن نابرابری و مردسالاری ارائه می‌دهند با این حال فضای مجازی به‌طور گسترده‌ای، فرصت‌هایی برای انتشار برخی پاسخ‌ها ایجاد می‌کند که وضعیت موجود را از طریق حملات، سانسور و تمسخر تداوم بخشد. وضعیتی که خشونت علیه زنان در ابعاد مختلف در حال درونی شدن است. این فرآیند مبین این فرضیه است که عنصر اساسی این نوع خشونت در فضای سایبر، تبعیض جنسیتی و فقدان مقررات افتراقی و جهانشمول و به دور از سیاست‌زدگی ضد جنسی است. در میان مقوله‌های گفتمانی شناسایی شده در تحلیل، تحریف دیدگاه جنسیتی و انکار تبعیض جنسی، راهبردهای مردسالارانه‌ای هستند که جهت تحقیر زنان در شبکه‌های مجازی و تداوم نابرابری استفاده می‌شوند. حتی این نگرش مظاهر خشونت را آنقدر تنوع می‌بخشد که به‌عنوان واکنشی قیم مآبانه تنها در مرزهای مردسالارانه قابل درک است. مسأله‌ای که فعالیت زنان در این فضا را به قلمرو فعالیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی زنان تنها به حریمی خصوصی شبیه به خانواده تنزل داده است. پس با این رهیافت؛ بقای برابری جنسیتی را تهدید کرده و تبعیض جنسیتی را نمود می‌بخشد.

علاوه بر آنچه بیان شد؛ در کنار تفوق مرد محور در محیط دیجیتال، مهمترین دلیل رو به افزون آسیب‌های جدید و

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر، جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تحریف می‌شود. به هر حال دولت‌ها می‌بایست در جهان امروز به واسطه تحول در مفهوم حوزه‌های علم و تکنولوژی با پذیرفتن تحولات، باب جدید را در حوزه تقنین در حمایت مردم به ویژه کودکان و زنان ایجاد کنند. به‌عنوان پیشنهاد باید بیان کرد؛ جهت مبارزه با تبعیض در این فضا علیه زنان باید فناوری جدید را به‌عنوان توانمندسازی مشخصی در حوزه عملکردی برای زنان مورد شناسایی قرار داد. چرا که استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای پیشبرد برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان نه‌تنها برای زنان و دختران و حتی کودکان حیاتی است، بلکه برای دستیابی به دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار ضرورت فزاینده دارد.

مشارکت نویسندگان

محمد مهدی سیدناصری: نگارش متن اولیه، جمع‌آوری، ترجمه و تجزیه و تحلیل داده‌ها.

محمود عباسی: مشارکت در اصلاح و بازبینی مقاله.

رضوان رضائی: مشارکت در گردآوری منابع و نگارش متن اولیه.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با پژوهش، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

References

- Nash C. Gender: A Postmodern Idea Developed in Association with the Modern Concept of Sex in Considering the Implications for Evolving Sexuality. *Sexes*. 2023; 4(3): 411-28.
- Karimi H. Moral rights and their place in cyberspace. *applied ethics studies (ethics)*. 2015; 6(24). [Persian]
- Allen JD. Grades as valid measures of academic achievement of classroom learning. *The Clearing House: A Journal of Educational Strategies, Issues and Ideas*. 2005 May 1; 78(5): 218-223.
- Pandey R. Woman, Body and Virtual Space: A Critical Study of Manjula Padmanabhan's Play Harvest. In *Proceedings of the International Conference on Future of Women 2018 Nov 1 (Vol. 1, No. 2, pp. 32-36)*.
- Seyed Nasser M, Striving for gender equality in the age of digital technologies (Internet, a new source of gender discrimination against women and girls), *Etemad Newspaper*, No. 5463; 2023 [Persian]
- Suvarna A, Bhalla G. A computational linguistic perspective of rape culture and victimization on social media. In *Proceedings of the 58th Annual Meeting of the Association for Computational Linguistics: Student Research Workshop 2020 Jul (pp. 328-335)*.
- Garg, Mansi Jain, Patra, "Subhasmita, Subhadarsini, Protection Of Women In Cyber Space: Is It Illusionary Or Reality"?, *Commonwealth Law Review Journal*. Annual Volume 5/ 131; 2019
- Rodríguez-Darias AJ, Aguilera-Ávila L. Gender-based harassment in cyberspace. The case of *Pikara* magazine. In *Women's Studies International Forum 2018 Jan 1 (Vol. 66, pp. 63-69)*. Pergamon.
- Demirhan K, Çakır-Demirhan D. Gender and politics: Patriarchal discourse on social media. *Public Relations Review*. 2015; 41(2): 308-10.
- Rodríguez-Darias AJ, Aguilera-Ávila L. Gender-based harassment in cyberspace. The case of *Pikara* magazine. In *Women's Studies International Forum 2018 Jan 1 (Vol. 66, pp. 63-69)*. Pergamon.
- Jenifer S, Ambika S. Cyber space: a critical analysis on the feminine facet. *J Leg Stud Res*. 2022; 8(1): 348.
- Negar S, Nosrat Kharazmi Z. The fourth wave of feminism and the lack of social realism in cyberspace. *J Cyberspace Stud*. 2019; 3(2): 132.. [Persian]
- Brown D, Pytlak A. Why gender matters in international cyber security. *Women's International League for Peace and Freedom and the Association for Progressive Communications*. 2020;2.
- Raisi L. Protection of citizen's rights in cyberspace in the light of the third generation of human rights (with emphasis on Iran). *J Int Stud*. 2023; 76: 23. [Persian]
- Sey A, Hafkin N. Taking stock: Data and evidence on gender equality in digital access, skills and leadership. *United Nations University, Tokyo*. 2019 Mar.
- Salehi A. Concept, dignity and forms of equality in the international literature of women's rights. *Public Law Res Q*. 2019; 22(68): 333. [Persian]
- Farrell D, Greig F. The online platform economy: has growth peaked? *JP Morgan Chase Institute*. Available from: <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2911194>. Accessed 2023 May 2; Seetharaman D. Facebook's female engineers claim gender bias. *Wall Street J*. 2017 May 2. Available from: <https://www.wsj.com/articles/facebooks-female-engineers-claim-gender-bias-1493737116>. Accessed 2023 May 2.
- Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD). *Bridging the digital gender divide: include, upskill, innovate*. OECD; 2022.
- Molina M, Lin S, Wood C. Accelerating the digital economy: Gender diversity in the telecommunications sector. *Connected Women*. 2015.
- Martinson J. Technology will widen pay gap and hit women hardest—Davos report. *The Guardian*. 2020. Available from: <https://www.theguardian.com/inequality>. Accessed 2023.
- Seifi A. Corona crisis and the challenges of immigrant women's right to health in the light of international human rights. *Public Law Res Q*. 2022; 23(74): 148. [Persian]
- Zahiri F, Gender and Prohibition of Discrimination in Education Approach to the International Human Rights System, first edition, Tehran: Shahr Danesh; 2021 [Persian]
- Graham M, "The rise of the planetary labor market-and what it means for the future of work", *New Statesman*. Retrieved from <http://tech.newstatesman.com/guest-opinion/planetarylabour-market/5>; 2018. Accessed July 22, 2023
- Zahrawi R, Ahmadzadeh R. Women's representation in virtual space with a look at the doctrines of Imami jurisprudence and Iranian law.

- Strateg Stud Women (Women's Book). 2014; 18(70): 205. [Persian]
25. Zereat A. Detailed explanation of the Islamic Penal Code: the scope of crimes against chastity. Tehran: Jangal Publications; 2022. p. 42, 213. [Persian]
26. Shahi Mutlaq KH, Ehsanpour M. jurisprudential and legal review of harming public modesty, Tehran: Mehr and Mah Nou Publications; 2015. p. 210 [Persian]
27. Lange K, Nachbaur D, Linn Larsen L, Theis R. Digital violence against women: new forms of violence and approaches to fight them in Europe. Newsletter. 2019; 2(3).
28. Roser A. Cyber violence against women and girls: gender-based violence in the digital age and future challenges as a consequence of Covid-19. Trento Stud Law Rev. 2021; 3(1): 174.
29. Hand T, Chung D, Peters M. The use of information and communication technologies to coerce and control in domestic violence and following separation. Sydney, Australia: Australian Domestic and Family Violence Clearinghouse, UNSW; 2009.
30. Wilk V, Adriane B. Cyber violence and hate speech online against women. EU Publications; 2018. 32.
31. WEF. The Global Gender Gap Report 2017, World Economic Forum, Geneva. Outbreak notice: http://www3.weforum.org/docs/WEF_GGGR_2017.pdf; 2017 Accessed February 19, 2023.